



نگرش یک
حالت روانی و
عصبی آمادگی
است که از طریق
تجربه سازمان
می یابد و تأثیری
هدایتی یا پویا بر
پاسخهای فرد در
برابر کلیه اشیا
یا موقعیتهایی
که به آن مربوط
می شود دارد

شکل گیری و تغییر نگرش

شهرام شیرکوند

لوین ، نگرش را جزئی از فضای زندگی فرد می داند که دارای ساختمانهای شناختی و عاطفی است که به طریق مستقل از یکدیگر عمل می کنند و بر رفتار فرد تأثیر می گذارند . دلش ، معتقد است نگرشها اکتسابی ، مداوم و دارای اجزای انگیزشی و عاطفی است و در ارتباط بین فرد و موضوع نگرش دلالت می کند .

مادیگان ، نگرش را مهمتر از دانش و مهارت فرد می داند و عقیده دارد که نگرشها رفتار انسان را هدایت می کنند و بر سازگارهای اجتماعی او تأثیر می گذارند و وی را به راه

به نگرشهای فرد بستگی دارد . نگرش یک حالت روانی و عصبی آمادگی است که از طریق تجربه سازمان می یابد و تأثیری هدایتی یا پویا بر پاسخهای فرد در برابر کلیه اشیا یا موقعیتهایی که به آن مربوط می شود دارد .

توماس ، نگرش را حالت پیچیده ای از احساسات، امیال، عقاید، تعصبات یا تمایلاتی می داند که به دلیل تجربیات گوناگون در فرد سبب نوعی آمادگی برای رفتار می شود. او همچنین براین باور است که نگرش نوعی تمایل به انجام دادن عمل است که در فرد ارزشهای مثبت یا منفی ایجاد می کند.

چرا برخی از دانش آموزان از تکالیف تربیتی پرهیز می کنند در حالی که برخی دیگر از آنها استقبال می کنند؟ چگونه می توان نگرشهای مثبت را در کودکان به وجود آورد؟ چگونه می توان رفتار استقبال را افزایش و رفتار پرهیز را کاهش دهیم؟

پاسخ به این سوالات به حیطه عمل نگرش مربوط می شود. نگرش نوعی حالت آمادگی است، تمایل به عمل یا عکس العمل خاصی در مقابل محرکی خاص، نگرشهای غالباً راکد است و تنها در صورت برخورد با موضوع، در بیان و رفتار تجلی می کند و همه چیز زندگی



سازندگی یا انحراف هدایت می‌کنند. سکرودویک من، نگرش را به عنوان نظام مشخصی از افکار و آمادگیهای فرد که برای عمل نسبت به برخی از جنبه‌های محیط ارجاع می‌شود، تعریف می‌کنند.

کرج، با اشاره به تداوم نسبی نگرشها این تعریف را ارائه می‌کند، نظامهای پایدار ارزشیابی‌های منفی و مثبت، احساسات عاطفی، تمایلات عملی مخالف و یا موافق با توجه به اهداف اجتماعی.

روانشناسان مفهوم نگرش را از طریق تحلیل آن به سه جزء متفاوت توجیه کرده‌اند. این اجزا عبارتند از:

۱- جزء شناختی که مربوط به عقیده‌های گوناگون و آگاهانه افراد نسبت به یک موضوع است.

۲- جزء عاطفی (احساس) که شامل احساساتی است که بر اثر مواجهه با یک موضوع در شخص برانگیخته شده و ارزشیابی او را از آن موضوع مشخص می‌کند.

۳- جزء آمادگی برای عمل (رفتار) که شخص در برخورد با موضوع مورد نظر به گونه معینی رفتار می‌کند.

نگرشها را نمی‌توان مشاهده کرد بلکه از رفتار شخص برداشت می‌شود. نگرش هم دارای شدت و هم دارای جهت است. برای نمونه امکان دارد که موضعی مطلوب یا نامطلوب نسبت به مردم یک کشور اتخاذ کرد، اما این موضع گیری لزوماً نسبت به همه افراد آن کشور دارای شدت برابر نیست! یعنی نگرش ما می‌تواند در امتداد یک بعد و در نقاط مختلف قرار بگیرد.

برای یافتن محل این نقاط، نیاز به اندازه گیری نگرشها مطرح است آن هم براساس معیار و مقیاس مشخص، گام اولیه اما عمده در اندازه گیری نگرشها در اواخر سالهای ۱۹۲۰ از سوی ترستون برداشته شد او مقیاسی برای مطالعه نگرشهای مذهبی ساخت.

یک مقیاس مواد و کاغذ که از افراد خواسته می‌شد تا از میان مجموعه‌ای از اظهارات نگرشی، اظهاراتی را که با آنها موافق هستند انتخاب کنند و به هر اظهار نظر با توجه به مطلوب یا نامطلوب بودن، ارزش عددی اختصاص دهند. بنابراین نمره نگرش یک شخص به عنوان میانگین ارزشها مواردی است که فرد برگزیده است.

دومین گام عمده «روش شناسی» اندازه گیری نگرش از سوی لیکرت برداشته شد. از پاسخگو خواسته شد از میان اظهارات نگرشی ارائه شده اظهار نظر را روی یک مقیاس پنج درجه‌ای رتبه بندی کنند.

و مفاهیم و استفاده آنها را اندازه گیری کند برای اندازه‌گیری نگرشها هم مورد استفاده قرار گرفته است. می‌توان هر مفهوم را روی چند دوقطبی جای داد (مثلاً کوچک، بزرگ، خوب، بد، تند، کند) و ۷ درجه یا نمره را که از نقطه مرکزی بیطرف (صفر) می‌گذرد به هر مورد اختصاص داد، بدین صورت که بین دو قطب مفهوم هفت خط فاصله قرار دارد و فرد به میزان علاقه یا عدم علاقه بر روی خط فاصله مورد نظر علامت () می‌زند.

درجه بندیها در سه گروه اصلی (سازه) قرار می‌گیرند. سازه سنجی (مثلاً خوب، بد) سازه شدت (قوی، ضعیف) و سازه فعالیت (فعال، منفعل).

تغییر نگرش

انسان موجودی است اجتماعی که در

۱- کاملاً مخالف ۲- مخالف ۳- نامطمئن ۴- ناموافق ۵- کاملاً موافق نمره نگرش شامل جمع نمرات در همه اظهار نظرهاست.

مقیاس ترتیبی گاتمن، تکنیک دیگری برای اندازه گیری نگرشها ارائه می‌کند. اظهار نظرها برحسب دشوار بودن پذیرش آنها ردیف شده‌اند؛ بنابراین سلسله مراتبی ارائه می‌شود که از اظهارات پذیرفتنی تا اظهاراتی که توسط اندکی از اشخاص پذیرفته می‌شوند، پایان پذیرفته است، پذیرش هر اظهار نظر به معنای آن است که اظهار نظرهای پیشین آنها پذیرفته شده است؛ نگرش پاسخ دهنده با الگوگیری از اظهاراتی تعیین می‌شود که او مایل به پذیرش آنهاست.

مقیاس اندازه گیری تفاوت معنایی که توسط «ازگود» طرح شده بود تا معنی واژه‌ها

اجتماع زندگی می‌کند، با اجتماع حرکت می‌کند و با اجتماع به رشد و بالندگی می‌رسد، انسان در فراگرد تکاملی زندگی خود همواره در معرض تغییر و دگرگونی اعم از اینکه برای او محسوس و ملموس باشد یا نباشد با الگوهای شناختی خود او ممکن است انجام گیرد، همه فرآیندهای جامعه‌پذیری که علم و تربیت بخش عمده‌ای از آن است در برگیرنده فرآیندی پیوسته از شکل و تغییر دادن، نگرش است. در منطقی رسمی تر فعالیت‌های تبلیغی، مبارزه انتخاباتی زمان جنگ به روشنی به عنوان کوشش‌های آشکار در تأثیر گذاری بر نگرش‌ها به شمار می‌آیند. ایده مرکزی همه این فعالیت‌ها آن است که محاوره، عمدتاً کلامی و بصری می‌تواند همچون وسیله‌ای برای تغییر نگرش بهینه باشد.

محركهایی که در اطراف ما هستند گاهی از محیط پیرامون و نزدیک حاصل می‌شوند و گاهی از محیط فراگیرتر، بعد از اینکه تحولاتی در درون محرك ایجاد شد جزو اداراک شخصی فرد می‌شود ولی افراد همه محركها را می‌پذیرند و آنهایی را که می‌پذیرند بعد از پردازش تبدیل به نگرش می‌کنند. این نگرش روی عواطف و شناخت ما تأثیر می‌گذارد و باعث بروز رفتار در ما می‌شود.

محرك، ادراک، نگرش، رفتار

برای تغییر نگرش باید به متغیرهایی توجه نمود؛ از جمله به ویژگیهای منبع محاوره و عمدتاً اعتبار، تخصص و امین بودن او، خود محاوره و ویژگیهای شرکت کنندگان که در برگیرنده متغیرهایی مانند هوش، ویژگیهای شخصیت و میزان انگیزتگی می‌شود.

از دیدگاه نظری، یافته‌های بدست آمده از مطالعه منظم تغییر نگرش در پرتو آنچه که برلون به عنوان اصل ثبات شناختی از آن نام برده است تعبیر شده است، اندیشه ثبات حاکی از آن است که مردم انتظار دارند اندیشه‌ها و احساسات و یا اعمال معینی مرتبط با پس آمد اندیشه‌ها، احساسات و یا اعمال دیگر باشند؛ مثلاً ما عمدتاً توقع داریم که دوستان ما همان چیزهایی را دوست بدارند که ما دوست داریم.

سه نظریه ثبات پذیرفته شده اند که عبارتند از نگره تجانس؛ نگره توازن و نگره هماهنگی شناختی.

● نگره تجانس توسط ازگود تنظیم شده است. در توصیف ساز و کارهای تغییر نگرش از یک مقیاس ۷ درجه‌ای استفاده می‌شود که همانند مقیاسی است که در تفاوت معنایی استفاده می‌شود؛ بنابراین نگره تعادل هنگامی وجود دارد که یک پیوند ارتباطی بین اشیایی را که دارای ارزش همانند

و نشانه‌های یکسان هستند به هم ربط دهد (مثلاً +۲ و -۲) هر ترتیب دیگری به جز این دو صورت، بی‌تجانس بوده و تمایل به تغییر را بر می‌انگیزد؛ مثلاً اگر کودکی برای جشن تولد خود دو چرخه‌ای هدیه بگیرد و اگر این هدیه برای او دارای بیشترین ارزش مثبت باشد (+۳) و اگر بهترین دوست او (+۳) بنابراین یک حالت موازنه وجود دارد.

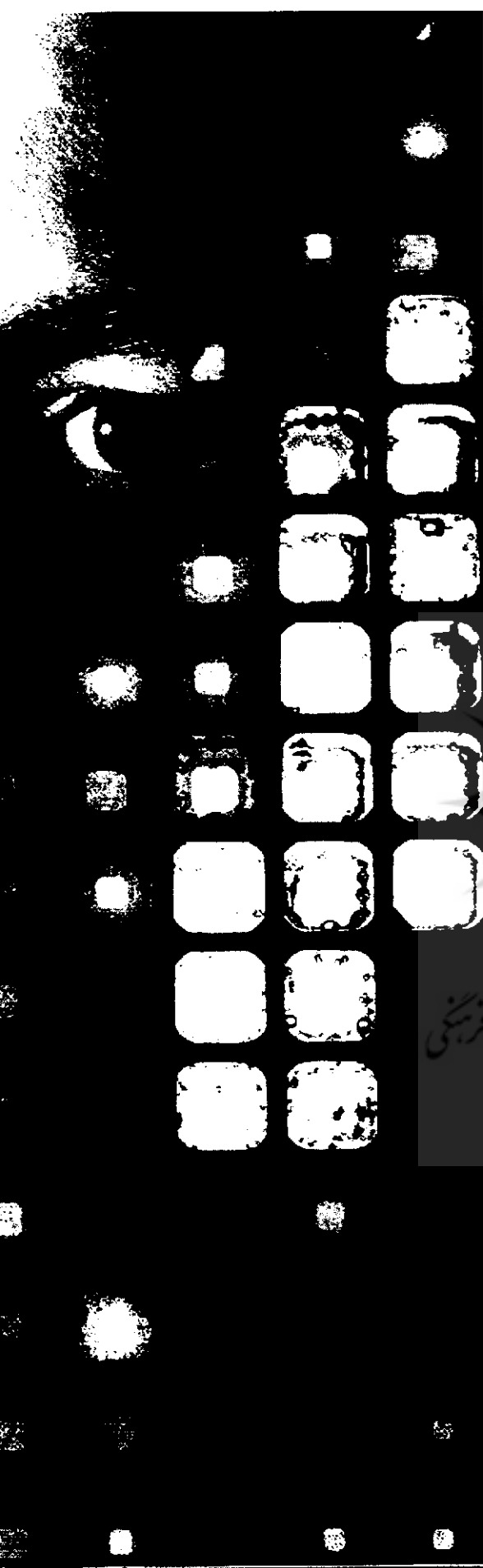
● نگره توازن دارای سابقه‌ای طولانی و عمدتاً مرتبط با «هیدر» است همان گونه که برلون اشاره می‌کند صورت بندیهای همانندی وجود دارد که یکی از آنها را عنوان می‌کنیم مطلب زیر برگرفته از برداشتی است که از سوی آبلسون و روزنبرگ ارائه شده است. نگره توازن و تجانس در واقع کاملاً مشابه هستند اما تفاوت عمده بین آنها این است که به هر عنصر شناختی عددی را نسبت نمی‌دهیم.

عناصر دارای ارزش مثبت، منفی و یا صفر هستند و ارتباط بین آنها ممکن است + (مثبت) - (منفی) و یا (بی اثر) نشانه عدم ارتباط باشد. هنگامی موازنه وجود دارد که عناصر دارای نشانه‌های یکسان توسط ارتباطات مثبت و یا بی اثر به هم پیوند دارند در این نگره نسبت به الگوی تجانس وقتی در پیش بینی وجود ندارد.

راه دیگری هم برای تغییر نگرش وجود دارد که تفکیک نامیده می‌شود مثلاً همان مورد پسر و دو چرخه، او ممکن است پس از پی بردن به تنفر دوستش از دو چرخه به جای تغییر نگرش نسبت به دوست و یا دو چرخه اش بپذیرد که دوستی در واقع خاص خودش است و دوستش کسی است که مطمئناً دارای توانایی فکری، بالایی است اما به هر صورت چیزی از دو چرخه نمی‌داند.

● موجودیت نگره ناهماهنگی شناختی، مدیون فستینگر است که همراه با دستیاران خود آزمایش‌های زیادی را انجام داده است این نگره حالتی از ناهماهنگی شناختی را مطرح می‌کند که به سبب تنش روانی کوشش می‌شود که فرد را برای بازگشت به حالت هماهنگی برانگیزد. در عنصر شناختی (گاهی عقیده و یا اعتقاد) زمانی ناهماهنگ هستند که یکی دیگری را نفی کند. عناصر شناختی هنگامی هماهنگ هستند که یکی دیگری را تدلیل کند. نمونه از دو عنصر شناختی ناهماهنگ که از آزمایش فستینگر و کارل اسمیت گرفته شده است از قرار زیر است:

- ۱- من این تکلیف را بی نهایت ملال آور می‌بینم.
- ۲- من داوطلبانه این تکلیف را گرفتم.





سه نگره اثباتی ارائه شده تلاش بر آن دارند تا داده‌های تغییر نگرش را با توجه به جنبه‌های متفاوت ساختار نگرش بررسی کنند. به نظر می‌رسد که نگره‌های تجانس و توازن با توجه به بخش احساسی و تا اندازه‌ای شناختی نگرشها، بیشترین مناسبت را دارا هستند.

تا اینجا دانستیم که تحت چه شرایطی می‌توان نگرشها را تغییر داد، اما در زمینه تغییر نیاز، وسائل و امکاناتی مطرح است یکی از وسائل تغییر نگرش، رسانه‌ها هستند که بهترین و بیشترین نقش را رسانه‌های تصویری دارند که می‌توانند واقعیات را شکل بدهند و مجسم کنند البته در مورد کشورهای در حال توسعه از جمله ایران از نقش رسانه‌های سنتی (شعر خوانی، قصه گوئی و ...) نباید غافل شد چون آنها می‌توانند تأثیرات بسیار مطلوبی را در جامع ایجاد کنند.

در دگرگون کردن نگرشها باید به نظریه سه مرحله‌ای لوین توجه کرد

۱- انجامد زایی، کورت لوین معتقد است وقتی که نگرشی در جامعه شکل گرفت قاعدتاً تحت تأثیر چند فشار است یک دسته فشارهایی هستند که قصد دارند نگرش را تغییر دهند و دسته دیگر قصد دارند آن را محکمتر جلوه دهند (از آن به عنوان تحلیل میدان نبرد یاد شده) هر نگرش یک حالت حاد یا یک باسیل دارد که گاه به دور خود پوسته محکمی می‌بندد و با آن پوسته محکم می‌خواهد از خودش محافظت کند یعنی در برخورد با نگرش اول باید پوسته آن را شکافت. کورت لوین معتقد است در این مرحله ما باید انجامدزایی کنیم؛ یعنی در واقع اول «چفت و بستها را بگشاییم» برای گشودن بستها باید دو کار انجام دهیم اول، اطلاع رسانی و دوم، شیوه‌های اغنایی که اینها هر دو از رسالتهای ارتباطات هستند.

۲- جایگزینی، رسانه به سرعت بر ذهن افراد اثر می‌گذارد و آن را دگرگون می‌کند که در این میدان نبرد رسانه به صورت یک قدرت نسبتاً قوی در جهت بقیه قدرتهایی که باید نگرش را تغییر بدهند وارد عمل می‌شود و کار خودش را انجام می‌دهد.

یکی از دشواریهایی که در عمل برنامه ریزی کشورهای جهان سوم بویژه در ابعاد تغییرات فرهنگی با آن مواجه می‌شویم. وجود شکافی بین این دو مرحله است؛ یعنی ممکن است ضربه اول را خیلی خوب وارد

کنیم و تغییر نگرش جدید بدرستی جایگزین نشود. دو باره احتمال برگشت به نگرش قبلی بسیار خواهد بود اینجاست که می‌خواهیم عملی را انجام بدهیم که با تغییر نگرش هماهنگی و توازن داشته باشد، اگر این کار بدرستی انجام گیرد، هر اندازه غیرمستقیم تر باشد احتمال موفقیت بیشتر خواهد بود. بعضی مواقع می‌بینیم که نگرش تغییر کرده و زمان عمل فرا رسیده است در این حالت هر قدر عمل با شیوه‌های حساب شده و دقیق و غیرمستقیم صورت بگیرد بیشتر موثر واقع می‌شود.

۳- انجامد مجدد، نگرشها همیشه حالت ارتجاعی و بازگشت پذیری دارند پس برای اینکه حالت برگشت پذیری را کم کنیم باید به نگرش به وجود آمده چفت و بست بزیم تا مجدداً به نگرش اول برنگردد در اینجا نقش رسانه دوباره اهمیت پیدا می‌کند، رسانه می‌تواند این کار چفت و بست زدن به نگرشها را به سرعت و با روال بالا انجام دهد.

پيامد تغییر نگرش تغییر در نوع سازگاری یا ناسازگاری، سنبلهها، الگوها و ارزشهای فرد است که به طور کلی به شکل زیر بیان می‌شود:

تغییر در نگرش

تغییر در نوع سازگاری و یا ناسازگاری
ارتباط تغییر در سمبولها
متحول شدن الگوها

تغییر در قضاوتها و ارزشها

در مجموع می‌توان گفت که نگرش، برخاسته از فرهنگ مادی و معنوی جامعه، خانواده، ارزشها و آرمانهاست. نگرشها مجموعه‌ای پیچیده است و ممکن است اجزای متشکل آن شناختی، عاطفی و یا رفتاری باشد. نگرشها از محرکهایی که در پیرامون ما قرار دارند شکل می‌گیرند و پس از تشکیل بر عواطف و احساسات و شناخت ما اثر می‌گذارد از آنجا که نگرش منشاء و مبدأ کلیه رفتارهای فردی و اجتماعی است ناچار هستیم برای دگرگون کردن نگرشها آنها را بشناسیم.

منابع

۱- بال، ساموئل، انگیزش در آموزش و پرورش، مدد، دکتر علی اصغر، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۲۳۰ صفحه

۲- فصلنامه سنجش و پژوهش، شماره ۶، سال دوم، ۱۳۷۳، ۸۸ صفحه، فرهنگی، علی اکبر، تغییر انگیزش از طریق رسانه با فرآیندی سه مرحله‌ای، صفحه ۷۲

۳- ماهنامه رشد معلم ۶، سال سیزدهم، اسفند ۷۳، ۸۳ صفحه



چهارمین همایش اساتید

مدیریت و حسابداری



۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۳
دانشکده مدیریت و اقتصاد

دبیر خانه همایش

تلفن: ۰۳۲۱) ۲۲۲۲۰۲۸

فاکس: ۰۳۲۱) ۲۲۲۲۰۲۷

Email: manedpt@mail.uk.ac.ir

مکان:

تالار وحدت

دانشگاه شهید باهنر کرمان

